



ابزارهای جمع آوری
اطلاعات
گفتار سوم: مشاهده

تالیف :

دکتر ابراهیم معین نجف آبادی

فهرست مطالب

گفتار سوم: مشاهده	۳
۳-۱- تعریف مشاهده	۳
۳-۲- انواع طرح های مشاهده	۴
۳-۳- ابزارهای مشاهده	۷
۳-۴- ملاحظات اجرایی در روش مشاهده	۸
۳-۵- اجرای مشاهده	۱۰
۳-۶- ساختار مشاهده	۱۰
۳-۷- محتوای مشاهده	۱۱
۳-۸- ثبت مشاهدات	۱۱
۳-۹- نمونه گیری رفتار در مشاهده	۱۴
۳-۱۰- آموزش مشاهده کنندگان	۱۴
۳-۱۱- تجزیه و تحلیل داده های ناشی از مشاهده	۱۵
۳-۱۲- محاسن روش های مشاهده	۱۶
۳-۱۳- معایب و مشکلات مشاهده	۱۶
۳-۱۴- اشتباهات متداول در مطالعه های مشاهده ای	۱۷
۳-۱۵- ویژگی ها و مشخصات مشاهده مشارکتی	۱۸
۳-۱۶- منابع و مآخذ	۳۳

گفتار سوم: مشاهده

مقدمه

روش مشاهده یکی از روش های تحقیق کیفی است که می تواند در ساخت وضع موجود متغیرهای استراتژیک مورد استفاده قرار گیرد. اما به نظر می رسد که برای مرحله تدوین برنامه مناسب نباشد. زیرا که این روش جمع آوری اطلاعات نیازمند صرف وقت و هزینه نسبتاً زیاد است. به هر حال، آشنایی با این روش برای برنامه ریزان شرکت ضرورت دارد.

مطالب زیر از سایت های موجود در فضای اینترنت جمع اوری و تجمیع شده است و در بعضی موارد نیز مطابق نیاز برنامه ریزی استراتژیک تلخیص شده است.

۳-۱- تعریف مشاهده

مشاهده شامل دیدن و شنیدن بسیار دقیق است. ما همواره دیگران را می بینیم، اما معمولاً آنها را به منظور کشف اطلاعات خاص در مورد رفتارشان نمی نگریم. این نوع نگاه کردن، همان مشاهده در علوم اجتماعی است (لانگلی، ۱۹۸۸).

مشاهده یک روش اساسی برای جمع آوری داده های کیفی است. به نوشته برن و گرو، (۱۹۹۹) هدف از مشاهده عبارت است از جمع آوری داده های دست اول از محیط طبیعی، محقق در پی آن است که در یابد در این وضعیت چه می گذرد؟ او باید مهارت های مشاهده گری و شنیداری قوی داشته باشد. محقق معمولاً به مشاهده اعمال عادی شرکت کنندگان و ثبت تفصیلی آن و نیز توجه دقیق به حوادث غیر معمول می پردازد. او همچنین ممکن است به مشاهده فیلم، نوار ویدئویی، عکس ها یا نمادهای تاریخی پردازد (ادیب حاج باقری، پرویزی، صلصالی، ۱۳۹۰ ص ۵۱).

مشاهده از روش های جمع آوری اطلاعات است که در آن رفتار مشخصات موجودات زنده اشیا و پدیده ها با استفاده از ویژگی های گوناگون آنها ملاحظه و ثبت می گردد. منظور از مشاهده ثبت دقیق تمام جوانب بروز حادثه ویژه یا رفتار و گفتار فرد یا افراد از راه حواس و یا سایر راه های ادراکی (کمک گرفتن از ابزار خاص) می باشد. مشاهده منظم در تحقیق ضروری است. بنابراین مشاهده باید:

✚ به هدف تحقیق مربوط باشد

✚ برنامه و نحوه عمل آن از قبل مشخص و تیم شده باشد

✚ به طور دقیق و منظم ثبت شود

✚ میزان اعتبار و صحت انجام آن قابل سنجش و بررسی باشد

مشاهده بطور واضح و روشن، اساسی ترین شیوه کسب اطلاعات درباره جهان پیرامون ماست. در حسابرسی نیز مشاهده عبارت از ملاحظه یک فرآیند یا روش در حال اجرا توسط دیگران می باشد. مشاهده یکی از قوی ترین و با کیفیت ترین شواهد حسابرسی است و از آن برای اثبات وجود برخی از دارایی ها، مانند وجوه صندوق موجود در صندوق، موجودی های مواد و کالا و دارایی های ثابت استفاده می شود. حسابرس نیز در کنترل داخلی یک شرکت خود را فقط به اسناد و مدارک و آزمون و مصاحبه از کارکنان محدود نمی کند بلکه او با حضور در محیط شرکت می تواند مشاهده کند و در گزارش حسابرسی خود بیاورد. گاهی اوقات پژوهشگر آنچه را که مطالعه می کند بطور مستقیم مشاهده می کند. گاهی اوقات متکی به تجربه گزارش شده دیگران است و در برخی از موارد از مطلبی که در تهیه آن این مراحل اجرا شده است، مثل پژوهش های دیگران، گزارش های آماری و کتاب های راهنما، استفاده می کند.

۳-۲- انواع طرح های مشاهده

نادری و سیف نراقی (۱۳۸۹) مشاهده را به دو نوع به شرح زیر تقسیم کردند:

الف- مشاهده ی سطحی یا آزاد: در این گونه مشاهدات، ممکن است مشاهده گر خود عضوی از گروه مورد مشاهده باشد یا نباشد. اما در هر صورت مشاهدات او سطحی و نامنظم و فاقد برنامه ریزی قبلی است. این نوع از مشاهده را ما هر روز در زندگی عادی تجربه می کنیم و کمتر به نحوی دقیق و منظم موضوع یا واقعه ای را مورد مشاهده قرار می دهیم.

ب- مشاهده دقیق یا منظم: مشاهده گر در مشاهده ی دقیق یا منظم موظف به رعایت اصولی از پیش ساخته و منظم و مدون است. او باید به خوبی از موضوع مورد مشاهده آگاهی داشته باشد و در هر شکلی که عرضه شود قادر باشد آن را شناسایی کند. در مشاهده ی منظم، آموزش مشاهده گر (یا در واقع کنترل و نظارت بر مشاهده ی او از موضوع)، حایز اهمیت است. در اغلب تحقیقات علمی که در آن ها محقق برای جمع آوری اطلاعات روش مشاهده را انتخاب می کند، از همین نوع مشاهده ی منظم استفاده می نماید.

دلاور (۱۳۹۰) مشاهده را تحت دو عنوان تقسیم بندی می نماید:

الف- مشاهدات بدون ساختار: برای مشاهده ی پدیده های طبیعی به کار برده می شود. اگر چه برخی مواقع مشاهده ی بدون ساختار در پژوهش های میدانی نیز به کار برده می شود. غالباً مشاهده ی بدون ساختار زمانی به کار برده می شود که پژوهشگر توانایی کنترل رفتار یا پدیده ی مورد مشاهده را ندارد. به همین دلیل پژوهشگر در تبیین رابطه ی علی و معلولی با دشواری روبرو است.

ب- مشاهده با ساختار (محدود): این نوع مشاهده، بر رفتاری که به صورت روشن و دقیق تعریف شده است متمرکز است. در مشاهده با ساختار روش ثبت آنچه مشاهده می شود باید قبل از اجرای مشاهده تعیین شود. قبل از مراجعه به میدان یا محل مشاهده پژوهشگر ممکن است مقیاس های درجه بندی یا شیوه های مختلف دیگری برای ثبت اطلاعات ناشی از مشاهده را تدوین و تنظیم نماید.

طبق نظر گراو و بورن (۱۹۹۹) مشاهده لحاظ موقعیت و محیط مورد مشاهده به مشاهده کنترل شده و یا سازمان یافته و مشاهده کنترل نشده یا سازمان نیافته که بیشتر در روش پژوهش کیفی کاربرد دارد تقسیم می شود. همچنین مشاهده می تواند دامنه وسیع (رفتار یک فرد) و یا دامنه کوچک (حرکات صورت) باشد (به نقل از یغمایی، داخسته هارونی، متقی، ۱۳۸۸، ص ۴۶). در ادامه انواع مشاهده از جنبه های مختلف تشریح می گردد.

۳-۲-۱- طرح های مشاهده کنترل نشده

این نوع مشاهده که به روش سطحی یا ساده و آزاد نیز مشهور شده، روشی است که محقق ناظر بر وقایع و رخدادها است و آنهایی را که به هدف تحقیق نزدیک است، ثبت و ضبط می نماید. اجرای این روش به چند صورت مقدور است: یکی اینکه محقق با مشاهده برخوردی سطحی نماید؛ یعنی بدون طرح از پیش اندیشیده شده ای وارد میدان مشاهده شود و به طور اتفاقی از آنچه می بیند اطلاعات مورد نیاز را برگیرد و مورد استفاده قرار دهد؛ دوم اینکه محقق طرح از پیش اندیشیده شده و ابزار طراحی شده ای در اختیار داشته ولی در محل مشاهده و در حضور مورد مشاهده از آن استفاده نمی کند و اطلاعات مورد نیاز کارت و ابزار سنجش را از محیط می گیرد و بلافاصله پس از اتمام مشاهده اطلاعات را به کارت منتقل می کند. در هر صورت، محقق پدیده مورد مطالعه یا مشاهده شونده را کنترل نمی نماید و شرایط محیط مشاهده نیز کنترل نمی شود. به این دلیل، به آن روش کنترل نشده اطلاق نموده اند.

۳-۲-۲- طرح های مشاهده کنترل شده

در این طرح ها که به طرح های منظم و دقیق یا سازمان یافته نیز معروف هستند، امر مشاهده در تمامی مراحل، از قبیل شروع و زمان انجام کار و نیز مشاهده شونده و محیط مشاهده، کنترل و از قبل برنامه ریزی شده است و محقق ابزار سنجش طراحی شده ای دارد و پس از شروع فرآیند مشاهده با توجه به مشاهدات خود اطلاعات مورد نیاز را برمی گزیند و در محل های مناسب روی کارت مشاهده ثبت و ضبط می نماید.

۳-۲-۳- طرح مشاهده مشارکتی

در این نوع مشاهده، محقق یا مشاهده گر خود در محیط مشاهده جذب می شود؛ یعنی بعنوان عضوی از اعضای آن در می آید. در تحقیقات مردم شناسی و جامعه شناسی و تعلیم و تربیت و غیره، محقق برای

درک عین واقعیت موجود در جامعه مورد مطالعه، باید خود هم‌رنگ آنها شود تا بتواند آن را به خوبی درک کند. برای این کار مجبور است برای مدت طولانی در جامعه مورد مطالعه بماند تا تدریجاً با مشخصات و خصایص آن آشنا شود. چنین مشاهده‌ای را می‌توان مشاهده از درون جامعه نام نهاد؛ زیرا محقق به داخل جامعه راه می‌یابد، رنگ آن را به خود می‌گیرد و از درون آن دریچه‌ای برای دیدن آن باز می‌کند. طبیعی است که چنین مشاهده‌ای ارزشمند است و بهتر به کشف و تبیین واقعیت‌های جامعه منتهی می‌شود.

۳-۲-۴- طرح مشاهده غیر مشارکتی

این روش برخلاف نوع مشارکتی، چندان عمیق و اساسی نیست؛ زیرا محقق، جامعه مورد مطالعه را از بیرون و از کنار مطالعه می‌کند و اطلاعات او سطحی است و نمی‌تواند از این طریق به اعماق جامعه راه یابد؛ مثلاً می‌تواند تصویری ظاهری از مراسم و آداب و رسوم و رفتار افراد جامعه ترسیم نماید.

۳-۲-۵- طرح مشاهده‌ی فردی

مشاهده‌ای است که بوسیله‌ی یک نفر، خواه محقق باشد یا فرد مشاهده‌گر دیگری، انجام می‌شود. اطلاعات کسب شده بر پایه ادراکات یک نفر استوار است که احتمال دارد دچار خطا و اشتباه نیز بشود.

۳-۲-۶- طرح مشاهده گروهی

مشاهده‌ای است که به کمک بیش از یک نفر انجام می‌پذیرد؛ یعنی اینکه پدیده‌ی مورد مطالعه به‌طور هم‌زمان در معرض دید مستقیم بیش از یک نفر قرار دارد و همه می‌توانند اطلاعات گرفته شده را در کارت‌های ثبت کنند و پس از پایان مشاهده با هم‌فکری یکدیگر نتیجه‌ی مشترک را در کارت ثبت نمایند. این روش بهتر از روش مشاهده تک نفری است، زیرا هم حوادث و رخدادها به تأیید تمام یا اکثر ناظران و مشاهده‌گران می‌رسد و هم اگر مطلبی از دید یکی از مشاهده‌گران پنهان ماند، مشاهده‌گران دیگر آن را ثبت می‌کنند.

۳-۲-۷- طرح مشاهده علنی

مشاهده‌ی علنی روشی است که محقق یا ناظر بصورت رسمی و آشکار در محیط مشاهده مستقر می‌شود و پدیده یا موضوع مورد مطالعه را زیر نظر می‌گیرد. این روش باعث می‌گردد که مشاهده‌شوندگان، به ویژه اگر انسان یا موجودات جاندار باشند، وضعیت خود را تغییر داده حالت غیرعادی و غیرطبیعی به خود بگیرند؛ بنابراین، محقق نمی‌تواند واقعیت‌ها را کشف کند.

۳-۲-۸- طرح مشاهده‌ی غیر علنی

در این روش محقق یا مشاهده گر به صورت علنی در محیط ظاهر نمی شود، بلکه به صورت غیر رسمی در محیط حضور پیدا می کند و محیط را زیر نظر می گیرد؛ مثلاً محقق به عنوان دانشجوی تازه وارد در کلاس می نشیند و رفتار دانشجویان را زیر نظر گرفته، مشاهده می نماید، یا به جای حضور در محیط مشاهده، اقدام به تعبیه^۱ وسایل تصویربرداری از محیط مشاهده می نماید. وسایل باید به صورت مخفی کار گذاشته شوند و مشاهده گران نباید متوجه شوند؛ زیرا در آن صورت حالت طبیعی و عادی خود را تغییر خواهند داد و حتی ممکن است به برخوردها و مقاومت ها و عدم همکاری نیز منتهی شود. این روش اگر با رعایت نکات ایمنی و حفاظتی انجام شود، از روش های دیگر به ویژه روش علنی بهتر است.^۱

۳-۲-۹- نوع بندی مشاهده بر اساس روش شرکت کننده ناظر

در این روش مشاهده، محقق خود را در شرایط موجود غوطه ور می نماید تا بتواند واقعیت ها را همان گونه که برای شرکت کنندگان وجود دارد ببیند و بشنود. استرابرت و کارپنتر (۱۹۹۹) چهار شیوه برای آن ذکر می نماید:

الف- روش صرفاً مشاهده گر^۲: در این روش، محقق مشاهده گر کامل فعالیت های شرکت کنندگان است و هیچ گونه تعاملی بین محقق و شرکت کنندگان وجود ندارد.

ب- ناظر به عنوان شرکت کننده^۳: فعالیت اصلی محقق در این روش مشاهده و احتمالاً مصاحبه است. البته برای هماهنگی با محیط ممکن است در برخی از فعالیت ها نیز با شرکت کنندگان همراه گردد.

پ- شرکت کننده به عنوان ناظر: در این روش محقق به مطالعه ی گروه علاقه دارد، ولی این کار را با عضو شدن در گروه انجام می دهد.

ت- شرکت کننده ی کامل: لازمه ی شرکت کننده ی کامل آن است که محقق هدف خود را پنهان نماید، استرابرت و کارپنتر (۱۹۹۹) استفاده از آن را به دلیل زیر پا گذاشتن استانداردهای اخلاقی توصیه نمی کنند (ادیب حاج باقری، پرویزی، صلصالی، ۱۳۹۰).

۳-۳- ابزارهای مشاهده

همانطور که هر روشی ابزار خاص خود را دارد تا اطلاعات را با آن گردآوری نماید، روش مشاهده نیز ابزار مناسب خود را در اختیار می گیرد. در این روش نیز ابزار به دو دسته تقسیم می شوند: ابزار استاندارد

^۱ - <https://vista.ir/m/c/۷j۲۱۳/>

^۲ - Complete observer

^۳ - observer as participant

و ابزار محقق ساخته. ابزار ویژه مشاهده بویژه در مشاهده‌های سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده، کارت مشاهده است. کارت مشاهده حاوی تعدادی سؤال یا عبارت دربارهٔ وقایع و حوادث یا موجودات مورد نظر محقق است که دربارهٔ موضوع یا پدیدهٔ مورد مطالعه، قابل مشاهده باشند. در مشاهدات برنامه‌ریزی شده محقق ممکن است از کارت استاندارد یا کارتی که خودش ساخته و روایی آن را آزمایش کرده استفاده کند. ویژگی این کارت‌ها آن است که محدود به سؤالات و عبارات مشخص و از پیش اندیشیده شده هستند و محقق یا ناظر و مشاهده‌گر باید در چارچوب آنها حوادث، ویژگی‌ها، موجودات، حرکات، رفتارها، تحولات و رخدادها را محیط و موضوع و پدیدهٔ مورد مطالعه را زیر نظر بگیرد و با هوشیاری تمام در صورت بروز یا وجود هر یک از اقسام مندرج در کارت، آنها را ثبت و یادداشت نماید. برای یادداشت کردن، محقق ممکن است از علائم ویژه یا حروف یا واژه‌های مخفف استفاده کند و در کارت، نشان بزند یا واژه و عبارت را بنویسد و ثبت کند.

در مشاهده‌ها و برنامه‌های مشاهده‌ای که محقق می‌خواهد آنها را بصورت آزاد و غیربرنامه‌ریزی شده انجام دهد، نیازی به طراحی کارت مشاهده نیست، بلکه می‌تواند عناوین کلی وقایع یا حوادث یا موجودات و تحولات مربوط به پدیده را مشخص کند، آنگاه اطلاعات مورد نظر را که بطور تصادفی با آنها برخورد می‌کند، گردآوری و ثبت نماید. در اینصورت نیز محقق ناگزیر است بلافاصله پس از مشاهده اطلاعات را استخراج و بصورت تفصیلی در کارت ثبت و از آنها بهره‌برداری کند.^۱

۳-۴- ملاحظات اجرایی در روش مشاهده

محقق و مشاهده‌گر چه در مرحله طراحی برنامهٔ مشاهده و چه در مرحله اجرای آن باید به نکات زیر توجه کرده، آنها را رعایت نمایند:

— مشاهده‌گر پس از در اختیار گرفتن کارت و ابزار مشاهده باید برای رفتن به محل مشاهده از مقامات مسؤول مجوز بگیرد.

— پس از مراجعه به محل و معرفی خود به مسؤول مربوط، سعی کند خود را با محیط سازگار نموده، کمتر مأموریت خود را بصورت علنی افشا نماید و در صورتی که مشاهده‌شونده‌ها اصرار بر دانستن داشتند، خود را معرفی نماید، ولی سعی کند تا جایی که امکان دارد اهداف و دلایل انجام دادن تحقیق و مشاهده را برای آنها توضیح داده، رضایت و همکاری آنها را جلب کند و از آنها تقاضا کند تا حد امکان حالت عادی خود را حفظ کنند.

^۱ -https://www.aftabir.com/science/research/collection_ways_field_observation.php

-- حوادث، رخدادها، تحولات و حرکات مشاهده شونده و محیط مشاهده را بدقت زیر نظر گرفته، با هوشیاری تمام نسبت به اخذ اطلاعات موردنظر و ثبت آن در کارت مشاهده همزمان با وقوع حادثه اقدام کند. ولی اگر در زمان اجرای مشاهده امکان ثبت وجود نداشت، بلافاصله پس از اتمام مشاهده، اطلاعات دریافت شده را در کارت ثبت کند تا مشمول فراموشی و ابهام نشود. ضمناً تا زمانی که از نتایج مشاهده قبلی یادداشت لازم تهیه نشده، نباید مشاهده بعدی انجام پذیرد.

-- تعصبات و تمایلات مشاهده گر بر امر مشاهده تأثیر می گذارد؛ بنابراین، باید دائماً مراقبت نماید تا تمایلات شخصی وی تأثیری در اطلاعات گرفته شده بجای نگذارد.

-- قبل از شروع مشاهده، محقق باید اطلاعات لازم را درباره فرد یا افراد مورد مشاهده و نیز محیط مورد مشاهده اخذ نماید و در صورت امکان قبل از شروع مشاهده اصلی، محل مشاهده را قبلاً مورد بازبینی و واریسی قرار دهد.

-- از آنجا که محیط و مورد مشاهده دارای حجم زیادی از اطلاعات است و دائماً نیز تغییر می پذیرد، بهتر است محقق وسایل ثبت کننده تصویر نظیر دوربین عکاسی و فیلم برداری همراه داشته باشد تا بتواند در صورت لزوم تصاویر مناسبی تهیه و از آنها برای تکمیل اطلاعات و تجزیه و تحلیل داده ها استفاده کند. همانطور که ضبط صوت در مصاحبه وسیله ضروری به نظر می رسد (البته با موافقت مصاحبه شونده)، دستگاه های عکاسی و فیلم برداری در امر مشاهده ضروری می باشند (البته با موافقت مشاهده شونده).

-- اطلاعات جمع آوری شده را مورد بازبینی قرار دهد و روش کار و نیز نحوه درج اطلاعات و همچنین میزان رعایت بی طرفی خود را در جریان تحقیق مورد انتقاد قرار دهد. حتی بهتر است آن را به افراد دیگری که در تحقیق مشارکت نداشته اند عرضه کند تا با نقادی کار، نقایص آن مشخص شود. سپس نسبت به اصلاح نوشته های خود اقدام کند.

-- مشکلات و موانع و تنگناهای مشاهده گری را ثبت و یادداشت کند تا بتواند در پایان گزارش تحقق به آنها اشاره نماید. این کار باعث می شود تا محققان دیگر از تجارب او استفاده نموده نسبت به اصلاح روش و پیش بینی های لازم اقدام کنند.

-- محقق نه تنها باید پیش آزمون ابزار را بمنظور اطمینان از روایی آن مورد توجه قرار دهد، بلکه باید مجریان طرح مشاهده را آموزش دهد. بویژه در تحقیقاتی که چند نفر مشاهده گر پدیده ای را بطور همزمان در یک محل یا چند محل مشاهده می کنند، باید بداند که کار مشاهده نیز همانند مصاحبه نیاز به تجربه، تبحر و آموزش دارد.

-- در هنگام مشاهده اگر با حادثه و رخدادی روبرو شد که جزو موارد پیش‌بینی شده در کارت مشاهده نبود ولی برای تکمیل تحقیق مناسب بنظر می‌رسید، باید آن را روی فیش‌ها یا کارت‌ها یا اوراق جداگانه‌ای که همراه خود دارد، ثبت نماید و پس از مشاهده مورد بازبینی و کاربری قرار دهد.

-- در مشاهده‌های مشارکتی که فرد از درون جامعه آن را مطالعه می‌کند، باید تحمل و بردباری و قدرت سازگاری بالایی داشته باشد و ارزش‌ها و الگوهای مقبول جامعه را بدقت رعایت کند تا بتواند به عنوان جزئی از جامعه پذیرفته شود.^۱

۳-۵-۱ اجرای مشاهده

پژوهشگر باید به ساخت یا سازه ای که پژوهش بر پایه آن بنا نهاده می‌شود، توجه داشته باشد. به عبارت دیگر قبل از انجام مشاهده باید به دقت تعیین کرد که چه چیزی باید مورد مشاهده قرار گیرد. برای انجام این عمل، پژوهشگر به یک طرح یا برنامه دقیق نیاز دارد. در این برنامه ریزی نوع مشاهده، چگونگی اجرای مشاهده و نحوه ثبت آنچه که مشاهده می‌شود باید مشخص و معین شود. به علاوه باید به آموزش افرادی که قصد انجام مشاهده را دارند نیز توجه خاص داشت.

۳-۶-۱ ساختار مشاهده

در این مرحله پژوهشگر باید به مطالب زیر توجه کامل داشته باشد:

- ⌘ مشاهده به افرادی محدود شود که باید مورد مشاهده قرار گیرند.
- ⌘ عمل مشاهده در شرایط معین و زمان مشخصی صورت گیرد.
- ⌘ از یک روش هنجار شده برای ثبت اطلاعات مشاهده استفاده شود.

۳-۶-۱-۱ مشاهدات بدون ساختار

مشاهده بدون ساختار، برای مشاهده پدیده های طبیعی به کار برده می‌شود. غالباً مشاهده بدون ساختار زمانی به کار برده می‌شود که پژوهشگر توانایی کنترل رفتار یا پدیده مورد مشاهده را ندارد. با مشاهده بدون ساختار، دستکاری آنچه که باید مورد مشاهده قرار بگیرد دشوار است. مشاهده کننده در هر تحقیقی باید به چهار سوال زیر پاسخ دهد:

✚ پژوهشگر واقعا علاقه مند به مشاهده چه چیزی است؟

✚ مشاهدات چگونه ثبت می‌شوند؟

✚ برای اطمینان از درستی مشاهدات، پژوهشگر از چه رویکردهایی استفاده خواهد کرد؟

✚ رابطه بین مشاهده گر و مشاهده چگونه باید باشد؟

^۱ -https://www.aftabir.com/science/research/collection_ways_field_observation.php

۳-۶-۲- مشاهده با ساختار (محدود)

مشاهده با ساختار، بر رفتاری که به صورت روشن و دقیق تعریف شده است متمرکز است و مشاهده گر قبل از شروع فرآیند مشاهده باید تعیین کند که قصد مشاهده چه چیزی را دارد. در این روش قبل از ورود به محل مشاهده، پژوهشگر ممکن است مقیاس های درجه بندی یا شیوه های مختلف دیگری برای ثبت اطلاعات ناشی از مشاهده را تدوین و تنظیم نماید.

برای افزایش اطمینان در مشاهده چندین راه وجود دارد. یک راه برای افزایش دقت در مشاهده، بکارگیری چندین مشاهده گر است و این اطمینان در صورتی حاصل می شود که مشاهده گران به خوبی آموزش دیده و رفتار مورد مشاهده کاملاً تعریف شده باشد و مشاهده گران درباره آن توافق کامل داشته باشند. نقش مشاهده کننده در محیط نیز می تواند اثراتی داشته باشد. در برخی از موقعیت ها در صورتی که افراد مورد مشاهده از آنچه که قرار است انجام شود اطلاع حاصل کنند، جمع آوری اطلاعات مورد نیاز دشوار یا غیر ممکن است. برای مثال موقعیتی را در نظر بگیرید که مدیریت یک شرکت تمایل ندارد حسابرس از نواقصی موجود در کنترل داخلی، آشکار شود. در چنین شرایطی اگر مدیریت از حضور حسابرس در کارخانه شرکت اطلاع حاصل کند سعی می شود رفتار غیر عادی از کارکنان رخ ندهد.

۳-۷- محتوای مشاهده

محتوای مشاهده به مقدار زیادی به هدف پژوهشگر بستگی دارد. در صورتی که پژوهشگری علاقه مند به تعیین جایگاه و قدرت فردی در گروه سات باید به موقعیت هایی توجه کند که در تعیین جایگاه فرد و سلسله مراتب قدرت و تصمیم در گروه کمک کند. چنین موقعیتی زمانی حاصل می شود که به فردی از اعضای گروه شغلی، هدیه ای یا پاداشی اهدا می شود. همه ما می دانیم برخی از رفتارها در بعضی موقعیت ها بهتر خود را نشان می دهند. برای مثال در حسابداری رسیدهای انبار می تواند مدارک کتبی خوبی برای تعداد موجودی های در انبار باشد. به همین دلیل ویژگی هایی که مشاهده در آنها صورت می گیرد، ابتدا باید تعیین و تعریف شوند.

دومین عاملی که در هر مشاهده ای باید مورد توجه قرار گیرد، رفتار آشکار مشاهده کنندگان است. به این معنی که چه کسی چه کاری را و به کمک چه افرادی و با چه نتایجی انجام می دهد؟

۳-۸- ثبت مشاهدات

روشی که برای ثبت اطلاعات بکار برده می شود، تا حد زیادی به ساختار و هدف پژوهش بستگی دارد. شرط موفقیت در ثبت داده ها داشتن طرحی است که در آن چگونگی ثبت اطلاعات مشخص و

معین شده باشد. در مشاهدات هدایت شده یا با ساختار، پژوهشگر از ابزارهای مختلف ثبت اطلاعات، نظیر ضبط صوت، ویدئو و دستگاه های فیلم برداری و سایر وسایل مکانیکی استفاده می کند. مزیت این دستگاه ها، علاوه بر دقت، در این است که این اطلاعات در اختیار محقق است و می تواند در هر زمانی که لازم بدانند و به هر مقداری آنها را دوباره مشاهده و مورد تحلیل قرار دهد. ابزار مکانیکی، در مشاهده ممکن است هیچ گونه مزاحمتی را به وجود نیاورد و در نتیجه اطلاعات جمع آوری شده فاقد هر گونه سوگیری باشد.

۳-۸-۱- روش های ثبت مشاهدات با توجه به هدف تحقیق

اگر هدف تحقیق به صورت روشن بیان شده باشد و ثبت رفتارهای کلی مد نظر باشد مشاهده گر می تواند از کاغذ و قلم برای ثبت مشاهدات استفاده کند. در این گونه موارد می تواند از ((سپاهه ی داده ها)) نیز استفاده کرد. اگر مشاهده روی تعاملات اجتماعی کودکان و یا بر روی ژست های صورت باشد، استفاده از ابزار پیچیده ترمانند دوربین فیلم برداری ضروری به نظر می رسد (سرمده، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۹).

ثبت فراوانی: مشاهده گر به تعداد دفعاتی که یک رفتار ویژه در یک واحد زمانی مشخص ظاهر می شود توجه دارد. برای مثال تعداد دفعات بلند کردن دست برای پاسخ گفتن به سؤال معلم. ثبت مدت: مشاهده گر به مدت زمان یک رفتار ویژه توجه دارد به عبارت دیگر وی زمان شروع و خاتمه یک رفتار را مورد نظر قرار می دهد. برای مثال مدت زمانی که یک کودک به حل مسئله می پردازد.

ثبت فاصله میان دو رفتار: مشاهده گر به فاصله زمانی پایان یک رفتار و آغاز رفتار دیگر توجه دارد. با مشاهده ی علائم مربوط به وقوع یا عدم وقوع رفتار در یک فاصله ی زمانی، می توان از داده های رفتاری اطلاعات زیر را استنباط کرد:

الف- تعداد تقریبی رویدادهای رفتاری

ب- طول مدت تقریبی رفتار در درون دوره ی مشاهده

پ- توزیع رفتار در طول دوره ی مشاهده

رفتار در هر یک از فواصل زمانی تنها یک بار ثبت می شود حتی اگر بیش از یک بار هم رخ دهد. ضمناً طول مدت وقوع رفتار در هر یک از فواصل زمانی هر اندازه که باشد، چه کم چه زیاد، بازهم رفتار در هر فاصله زمانی تنها یک بار ثبت می شود (سیف، ۱۳۸۹).

ثبت ترتیب ظهور: مشاهده گر به ثبت کلیه ی رفتار آزمودنی بر حسب ترتیب ظهور آن می پردازد. از این روش در تحقیقات قوم نگاری استفاده می شود. علاوه بر انتخاب روش ثبت، محقق باید واحد زمانی (نمونه گیری زمانی) یعنی مدت زمانی را که برای مشاهده ی یک نوع رفتار خاص نیاز دارد نیز مشخص کند. واحد زمان را می توان براساس نتایج تحقیقات قبلی و بر مبنای نظری انتخاب کرد. برای مثال ۱۵ دقیقه مشاهده ی بازی کودکان پیش از دبستان امکان شناسایی رفتارهای اجتماعی را می تواند فراهم کند (سرمد، بازرگان، حجازی، ۱۳۸۹).^۱

۳-۸-۱- ایجاد نظام طبقه بندی برای ثبت مشاهدات

یکی از فعالیت های عمده در مشاهده، طبقه بندی مناسب (کدگذاری یا ادراک) مشاهدات است. طبقه بندی عبارتست از جمله ای که از طریق آن مجموعه ای از مشاهدات در یک طبقه قرار می گیرد و به آنها کد یکسانی تخصیص داده می شود. ماهیت یک طبقه بندی خوب به اهداف ویژه پژوهشگر بستگی دارد. یک طبقه بندی خوب دارای ویژگی هایی به شرح زیر است:

الف- جامعیت

برخی از معیارهای طبقه بندی آن قدر گسترده هستند که تمام رفتارهای ممکن در آن قرار می گیرند. پژوهشگران در مشاهده، از آن نوع طبقه بندی باید استفاده کنند که دارای دامنه متوسطی باشد و به سادگی بتواند رفتار مورد مشاهده را در آن قرار دهند.

ب- مطابقت یا سازگاری با استنباط

در ضمن مشاهده باید تصمیم بگیرد که رفتار مورد مشاهده رادر چه طبقه ای ویا کدی قرار دهد. دراین تصمیم گیری گاهی اوقات مشاهده گر طبقه ای را که رفتار مورد مشاهده در آن قرار می گیرد برآورد می کند و برای تعیین صحت آن باید آنچه برآورد شده با معیارهای از پیش تعیین شده مطابقت داشته باشد.

پ- تعداد ابعاد

برخی از روش های طبقه بندی، برای نشان دادن فقط یک بعد رفتار بکار برده می شوند. این نوع طبقه بندی ساده است اما طبقه بندی پیچیده دیگری است. برای مثال در شرکتی سندرسی دفاتر شرکت یک طبقه بندی ساده است، اما در صورتی که بخواهیم شواهد حسابرسی شرکت را بررسی کنیم مواردی از جمله کنترل های داخلی، مشاهده، پرس و جو، تاییدیه مدیران و... را طبقه بندی چند بعدی گویند.

^۱ -<http://dataanalyse.blogfa.com/post/۱۵>

۳-۹- نمونه گیری رفتار در مشاهده

غالباً پژوهشگر نه وقت و نه منابع کافی برای ثبت تمام رفتارهایی که او علاقه مند است، دارد. در چنین مواردی بهترین روش انتخاب نمونه است که معرف تمام رفتارها باشد.

☞ پژوهشگر ممکن است نمونه را با توجه به زمانی که دارد انتخاب کند و در یک زمان معین (برای مثال ۱۵ دقیقه) قصد مشاهده رفتار را داشته باشد.

☞ روش دیگر ممکن است به این صورت باشد که پژوهشگر مشاهدات را برای تمام شرکت کنندگان در یک دوره زمانی ثبت کند. سپس در ثبت مشاهدات وقفه ای را بوجود آورد و دوباره اقدام به ثبت تمام رفتارها کند.

☞ روش نمونه گیری دیگر، ممکن است به صورت نمونه گیری از نوع معین یا طبقه خاصی از رفتار باشد. در این روش باید زمانی که رفتارهای کلیدی ملاحظه می شوند فوراً ثبت شوند.

۳-۱۰- آموزش مشاهده کنندگان

مشاهده کننده برای مشاهده یک رفتاری که به خوبی تعریف شده باشد باید به خوبی تربیت شده باشد که لازم است:

الف- نخست به مشاهده کنندگان اطلاعات لازم را درباره هدف های پژوهش داده شود. این اطلاعات می تواند شامل مبانی نظری پژوهش باشد.

ب- دوم به کارآموزان باید فرصت لازم برای مشاهده رفتارهایی که در پژوهش بر آنها توجه می شود داده شود:

➤ به آنها آموزش لازم برای ثبت مشاهدات بر روی برگه های ثبت اطلاعات داده شود.

➤ به کارآموزان فرصت داده شود تا رفتاری که در پژوهش مورد توجه است مشاهده کنند و آنها را مطابق برنامه تنظیمی بر روی برگه های ثبت اطلاعات ثبت نمایند.

➤ سرانجام کارآموزان باید در زمینه اتخاذ تصمیم در مورد انتخاب موارد و طبقه بندی صحیح آنها صاحب تجربه شوند و مشکلات موجود را از طریق بحث و تمرین های بیشتر حل کنند.

پ- سوم کارآموزان باید کلیه فعالیت های اصلی و ضروری را در یک مقیاس کوچک تر و به صورت یک مطالعه ضربتی انجام دهند.

ت- چهارم گروه کارآموزان در این مرحله آمادگی لازم را برای یک بررسی پایا کسب کنند. در این مرحله برای کارآموزان باید جلسات متعدد تمرین برگزار شود و این جلسه ها تا موقعی که مشاهده کنندگان به افراد حرفه ای و یا با تجربه تبدیل نشده اند ادامه پیدا کند. سرانجام در خاتمه این

مرحله می توان اطمینان حاصل کرد که مشاهده کنندگان آمادگی لازم را برای جمع آوری اطلاعات کسب کرده اند .

۳-۱۱- تجزیه و تحلیل داده های ناشی از مشاهده

چنانچه مشاهده در شرایط کاملاً کنترل شده ای، نظیر تحقیق آزمایشی، انجام شود و اگر مشاهدات با دقت لازم ثبت شوند، شیوه ی تحلیل داده های جمع آوری شده در اثر مشاهده، همانند روش تجزیه تحلیل سایر داده های کمی خواهد بود. اما در صورتی که مشاهده دارای ساختار نباشد و اندازه گیری آنچه که مشاهده می شود به صورت کمی میسر نباشد پژوهشگر در تحلیل با مشکلات فراوانی روبرو خواهد شد .

تجزیه و تحلیل داده های مشاهده از سه مرحله به شرح زیر تشکیل شده است :
نخست پژوهشگر باید مسئله مورد پژوهش، مفاهیم و شاخص های به کار برده شده را تعریف و تعیین کند .

دوم پژوهشگر باید جدول توزیع فراوانی پدیده ها یا ویژگی های مورد پژوهش را اندازه گیری و تدوین نماید. برای مثال توزیع رویداد مورد پژوهش در جامعه ای که نمونه از آن انتخاب شده، چگونه است؟ آخرین مرحله ی تجزیه تحلیل، عبارت است از هماهنگ کردن یافته ها به صورت گروهی در قالب یک الگوی توصیفی. این الگو سپس به عنوان راهنمایی برای ارائه و تفسیر یافته ها به کار برده می شود (دلاور، ۱۳۹۰).

برن و گرو [۳] (۱۹۹۹)، ضمن تأکید بر این که در مطالعات کیفی جمع آوری، تحلیل و تفسیر داده ها به صورت همزمان انجام می شوند تأکید می کنند که محقق باید روش مناسبی را برای ذخیره سازی و سازمان دهی اطلاعات برگزیند. آن ها پیشنهاد می کنند که محقق به جای نوشتن داده ها بر روی کاغذهای بزرگ، داده ها را بر روی قطعات کوچک کاغذ ثبت نموده، و در پایان همان روز جمع آوری هر داده آنها را کد گذاری، سازماندهی و ذخیره نمایند (به نقل از ادیب حاج باقری، پرویزی، صلصالی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). تجزیه و تحلیل داده های مشاهده از سه مرحله به شرح زیر تشکیل شده است:

✚ پژوهشگر باید مسئله مورد پژوهش، مفاهیم و شاخص های به کار برده شده را تعریف و تعیین کند.
✚ پژوهشگر باید جدول توزیع فراوانی پدیده ها یا ویژگی های مورد پژوهش را اندازه گیری و تدوین نماید .

✚ آخرین مرحله تجزیه و تحلیل، عبارت است از هماهنگ کردن یافته ها به صورت گروهی در قالب یک الگوی توصیفی^۱.

۳-۱۲- محاسن روش های مشاهده

⌘ در مشاهده مستقیم به پژوهشگر اجازه می دهد رفتار مورد مشاهده را به همان صورتی که اتفاق می افتد، ثبت و گزارش کند.

⌘ کاربرد وسیع و گسترده در علوم اجتماعی دارد.

⌘ مشاهده ممکن است هدف های متنوعی داشته باشد. در پژوهشی ممکن است هدف اکتشافی باشد و به منظور افزایش بینش محقق بکار برده شود. گاهی هدف ممکن است جمع آوری اطلاعات اضافی یا ممکن است موجب کنترل یا تفسیر یافته هایی باشد که بوسیله روشهای دیگر جمع آوری اطلاعات بدست می آیند.

⌘ از مشاهده ممکن است بعنوان یک روش ابتدایی برای جمع آوری اطلاعات داده ها استفاده شود.

⌘ مشاهده ممکن است در موقعیت های واقعی زندگی یا در آزمایشگاه ها اتفاق افتد.

در یک مشاهده منظم و علمی موارد زیر باید رعایت شود:

⌘ مشاهده گر علمی، فقط به آن دسته از مشاهداتی که در رابطه با هدف پژوهش است توجه دارد.

⌘ مشاهده گر علمی، بیشتر علاقه مند به تعیین این است که چه چیزی باعث می شود که عوامل مهمی همراه رفتار معینی هستند. به عبارت دیگر چرا یک رفتار اتفاق می افتد.

⌘ مشاهده گر علمی، بر خلاف عامه مردم علاقه مند است آنچه را که مورد مشاهده قرار می دهد، ثبت و در جدول های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

⌘ امکان بررسی جزئیات موضوع وجود دارد. می توان صحت اطلاعات جمع آوری شده را با وسائل دیگر آزمایش کرد. برای جمع آوری اطلاعات زمینه ای مناسب است. در زمان کوتاه اطلاعات زیادی بدست می آید و اعتبار علمی اطلاعات بالاست.

۳-۱۳- معایب و مشکلات مشاهده

⌘ مشکلات ناشی از نقص در اعضای جسمی انسان

⌘ ادراک انتخابی

⌘ حواس انسان، ابزار ضعیفی برای اندازه گیری و سنجش هستند.

⌘ حواس ما مستقل از تجربه های ما عمل نمی کنند.

^۱ -<http://azrurmia-research.blogfa.com/post/۴۸۹>

۴) روند مشاهده ممکن است بر موضوع مورد مشاهده تاثیر داشته باشد. حضور مشاهده گر می تواند بر روند فعالیت مورد مشاهده تاثیر گذار باشد. تمایلات شخصی مشاهده گر و میزان توانائی او در مشاهده و ثبت دقیق فعالیت مورد مشاهده ممکن است تاثیر گذار باشد. عوامل محیطی بر نوع و روش گرد آوری اطلاعات موثر است. استاندارد کردن و طبقه بندی اطلاعات مشکل است (بویژه در ثبت رفتار انسانی). مشکلات اخلاقی در مشاهده اعمال شخصی وجود دارد. برای نمونه های زیاد وقت گیر و پر هزینه است. رویکرد های مختلفی برای کاهش تاثیر آشکار و نهان عوامل مشکلات در مشاهده به کار برده می شود. گاهی اوقات چندین مشاهده گر، پدیده مشابهی را مشاهده می کنند ولی هر کدام تصور متفاوتی را از پدیده مورد مشاهده ترسیم می کنند. رویکرد دوم عبارت است از تلفیق نتایج بدست آمده از مشاهده با سایر روش های جمع آوری اطلاعات نظیر پرسش نامه و مصاحبه است. در یک چنین رویکردی داده های ناشی از مشاهده بوسیله داده هایی که با وسایل دیگر مثل پرسش نامه، مصاحبه با سایر منابع اطلاعاتی حاصل شده، تلفیق و مقایسه می شود و باعث می شود داده های بدست آمده با استفاده از چند روش، دارای دقت بیشتری از داده هایی است که توسط چند مشاهده گر جمع آوری شده است.

۳-۱۴- اشتباهات متداول در مطالعه های مشاهده ای

--به مشاهده کنندگان آموزش لازم را نمی دهند و در نتیجه داده های جمع آوری شده فاقد پایایی هستند.^۱

--مشاهده ای را به کار می برند که نیاز به مشاهده کننده های زیاد دارد.

--از مراقبت های لازم به منظور جلوگیری از تغییر شرایط مشاهده به وسیله ی مشاهده کننده و یا تغییر در موقعیت رفتار مشاهده شده، غفلت می کنند.

--سعی در ارزشیابی رفتاری دارند که به ندرت اتفاق می افتد و نمی توان اعتبار داده های آن را از طریق مشاهده به دست آورد (ایزاک، ترجمه ی دلاور، ۱۳۸۶).

در هر تحقیق که جمع آوری اطلاعات در آن با روش با روش مشاهده انجام می گیرد، عواملی وجود دارند که می توانند بر این اطلاعات اثر بگذارند و محقق را در تشخیص صحیح واقعیت ها گمراه سازند. بنابراین محقق موظف است به دقت مراقب اثر این عوامل در مشاهدات خود باشد:

^۱ -<http://dataanalyse.blogfa.com/post/۱۵>

-- تعصبات و تمایلات مشاهده گر: تعصبات و تمایلات مشاهده گر به دو گونه خود آگاه و ناخود آگاه بر اطلاعات اثر می گذارد .

-- ویژگی های فردی مشاهده گر: ویژگی هایی نظیر هوش و دقت زیاد سبب بالا بردن اعتبار اطلاعات جمع آوری شده در تحقیق است. برای کنترل تأثیر این گونه عوامل بر اطلاعات توصیه می شود قبل از شروع مشاهده و در طرح تحقیق خود مشخصات و ویژگی های مشاهده گر یا مشاهده گران مورد نیاز در تحقیق را تعیین و تعریف نماید.

-- عوامل محیطی که مشاهده گر را متأثر می سازند: عوامل خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی که فرد مشاهده گر را به گونه ای متفاوت تحت تأثیر قرار می دهند.

-- دانش و آگاهی مشاهده گر از موضوع مورد مشاهده: آموزش مشاهده گران و دادن آگاهی به آنان درباره ی موضوع مورد مشاهده (در بالا بردن اعتبار اطلاعات جمع آوری شده از طریق مشاهده)، حایز اهمیت بسیار است (نادری و نراقی، ۱۳۸۹).

۳-۱۵- ویژگی ها و مشخصات مشاهده مشارکتی^۱

۳-۱۵-۱- مشاهده مشارکتی چیست؟

همان طور که می دانیم، برای هر متدولوژی تکنیک های خاصی وجود دارد که به ما در راه رسیدن به آن کمک می کند. یکی از تکنیک های تحقیق کیفی، «مشاهده ی مشارکتی» است.

این روش، تکنیکی سودمند برای پدیده هایی است که تا حدودی از منظر بیرونی مبهم و نامفهوم هستند. در اینجا مصاحبه گر درحکم یکی از اعضای گروه بوده و می تواند از سه روش برای مشارکت در گروه سود جوید: مشاهده ی آشکار (با آگاهی اعضای گروه)، مشاهده ی پنهان (بدون آگاهی اعضای گروه) و نیمه آشکار (با آگاهی عده ای از اعضای گروه).

مشاهده ی مشارکتی برای فهم و تفسیر رفتار آدم ها مناسب است و هدف آن نگاه از درون است. پیش از این مشاهده ی مشارکتی متفاوت از روش های تحقیقی که در آزمایشگاه یا محیط های آکادمیک دیده می شد. این تکنیک در ابتدا به وسیله ی مردم نگاری رشد کرد و گاه به عنوان تحقیق خاص و یا مردم نگاری شناخته می شود. این تکنیک با جهان تجارت به خوبی سازگار شده است.

^۱ - <https://rasekhoon.net/article/show/1022001/>

منبع مقاله: مطالب این قسمت برگرفته شده از سایت فوق و نوشته شده توسط مریم کریمی رامشه، زیر نظر صالحی امیری، رضا، فتحی، سروش؛ (۱۳۹۱)، مجموعه مقالات روش های تحقیق کیفی در پژوهش های اجتماعی، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول

پیش از آنکه به ذکر تعریف و حدود مشاهده ی مشارکتی بپردازیم، بهتر است مشخص کنیم که مشاهده ی مشارکتی شامل چه مواردی نمی شود:

نخست اینکه مشاهده ی مشارکتی، همان گونه که از نامش پیداست، چیزی جدای از مشاهده نیست؛ نه آنچنان که مارشال و راسمن در کتابشان (روش تحقیق کیفی) مشاهده مشارکتی را در یک مقوله و مشاهده را در مقوله ای دیگر به عنوان روش های گردآوری داده های کیفی معرفی کرده اند. البته شاید این جداسازی تکنیک مشاهده مشارکتی از زیرمجموعه ی مشاهده، تا حدی به خاطر تأکید بر اهمیت مشاهده مشارکتی باشد، اما به هر حال نمی تواند توجیه مناسبی برای این جداسازی باشد. چنانکه نویسندگان مزبور در جاهای دیگر کتاب، مشاهده ی مشارکتی را نوعی مشاهده دانسته و فقط در مورد روش های گردآوری داده ها، از این قاعده عدول کرده اند. بنابراین مشاهده ی مشارکتی، گونه ای از گونه های مختلف مشاهده است.

دیگر اینکه گاه مشاهده ی مشارکتی را به جای واژه ی کیفی به کار می برند، در حالی که مشاهده مشارکتی، تنها یک تکنیک برای گردآوری داده های کیفی است. همچنین غالباً مشاهده مشارکتی را با مردم نگاری مترادف می دانند. شاید به این دلیل که مشاهده مشارکتی، رکن اصلی مردم نگاری است. به هر حال مردم نگاری نیز یکی از روش های پژوهش کیفی است که از تکنیک های گوناگونی برای گردآوری داده ها استفاده می کند. در مردم نگاری، گاه ناچار می شویم از روش های آماری و پرسشنامه (که هر دو روش کمی هستند) استفاده کنیم. مشاهده ی مشارکتی، اصلی ترین و مهم ترین شیوه ی گردآوری داده در مردم نگاری است.

رابطه مشاهده ی مشارکتی با مردم نگاری یا روش پژوهش کیفی، رابطه ی خاص و عام است. به عبارت دیگر، تکنیک مشاهده مشارکتی، تنها یکی از روش های مورد استفاده در مردم نگاری یا روش های پژوهش کیفی است.

پس از این تعاریف سلبی، حال می توانیم به این نکته بپردازیم که مشاهده مشارکتی چیست. ابتدا به چند تعریف و توضیحی که درباره ی مشاهده ی مشارکتی ارائه شده، اشاره می شود:

مشاهده ی مشارکتی می تواند به عنوان یک رهیافت کلی و وسیع تحقیق کیفی یا روشی برای جمع آوری داده های کیفی در نظر گرفته شود. ایده ی اصلی این است که محقق به داخل میدان یا فیلد می رود تا پدیده ها را در وضع طبیعی خود مشاهده کند. محقق مشاهده ی مشارکتی نوعاً نکات مهم را یادداشت و بعد جمع آوری و تجزیه و تحلیل می کند (تورچیم، ۱۹۹۹).

« مشاهده ی مشارکتی یعنی مشاهده توسط محققى که خود به عنوان جزئی از صحنه مورد مشاهده، نقش ایفا می کند » (مک نیل، ۱۳۷۸: ۲۲).

سیلورمن، مشاهده ی مشارکت آمیز را اصطلاحی معمولی می داند که در جامعه شناسی برای روش های توصیف هم کنش به کار می رود (مارشال و راسمن، ۱۳۸۱: ۳).
« استقرار در یک مکان در موقعیتی طبیعی، برای مدتی تقریباً طولانی برای توجه کردن، تجربه کردن و نشان دادن زندگی اجتماعی و فرایندهای اجتماعی که در آن موقعیت رخ می دهد » (سیلورمن، ۱۳۸۱: ۱۳).

بیتس و پلاگک در توضیح این روش می نویسند: « مشاهده ی مشارکت آمیز چیزی نیست جز همان مشارکت عمل محقق در فرهنگ مورد بررسی » (بیتس و پلاگک، ۱۳۷۵: ۱۰۰).

رفیع پور به نقل از کلوکهن و لاندرا، هدف مشاهده ی مشارکتی را چنین بیان می کند: « هدف از این تکنیک آن است که محقق، یک گروه را نه به صورت مصنوعی و در یک لابراتوار، بلکه در یک محیط واقعی و طبیعی مطالعه نماید و بتواند جزئیات رفتار و شیوه ی زندگی گروه مورد نظر را از نزدیک مطالعه و آن را به صورت عملی لمس و خوب درک کند » (رفیع پور، ۱۳۸۱: ۸۵).

مشاهده مشارکتی روشی کیفی است که ریشه آن به تحقیقات مردم نگارانه برمی گردد. مشاهده ی مشارکتی همیشه در محیط ها و زمینه های اجتماع رخ می دهد، در محیط هایی که معتقدند روابطی با سؤالات تحقیق دارد.^۱

« مشاهده ی مشارکتی همان گونه که از نامش پیداست، مشاهده ی زندگی اجتماعی انسان ها در یک مکان مشخص و در ارتباط با یک یا چند موضوع است که برای گردآوری داده ها و توصیف مستند از آنها، پژوهشگر نقشی را در میدان پژوهش برعهده گرفته و با توجه به این نقش، تا حدی در زندگی اجتماعی افراد ساکن آن مکان و مرتبط با آن موضوع، مشارکت می کند » (فکوهی، ۱۳۸۱: ۱۶۸-۱۵۷).

در مشاهده ی مشارکتی، محقق یا قصد بررسی یک مسئله را در میدان دارد یا اینکه صرفاً قصد توصیف کردن. البته در نهایت یک مسئله توصیف خواهید شد، اما بین این دو تفاوت عمده ای وجود دارد. برای مثال ممکن است علت میزان بالای طلاق در خانواده های یک شهر به عنوان یک مسئله مورد بررسی قرار گیرد و یا قصد محقق صرفاً توصیف خانواده در این شهر باشد. در هر دو مورد، او به موضوع

^۱ - I will send the correct link & V (by e- mail)!

خانواده در این شهر می پردازد، اما در اولی طلاق، همچون یک مسئله در خانواده مطرح می شود و در مورد دوم، ممکن است ضمن توصیف خانواده، اشاره ای به طلاق در آن نیز شود. مشاهده ی مشارکتی در بسیاری موارد، تنها یکی از مراحل تحقیق به شمار می رود. پژوهشگر در ابتدای تحقیق، از این روش استفاده می کند تا با زمینه های گوناگون زندگی افراد تحت مطالعه آشنا شده و برای مثال بر اساس اطلاعات به دست آمده، پرسشنامه ای مناسب طرح کند. یا هم زمان با دیگر شیوه ها، از این روش نیز به عنوان مکمل روش های دیگر استفاده می کند و بالاخره اینکه ممکن است در پایان تحقیق، از این روش برای بررسی صحت داده ها استفاده کند.

مشاهده مشارکتی گاه به عنوان یک روش به تنهایی کاربرد دارد. بسیاری از گزارشگران، خبرنگاران و روزنامه نگاران، در یک پدیده خبرساز شرکت کرده و مشاهداتشان را به عنوان نتیجه ی کار تحویل می دهند.

کاربرد مشاهده ی طبیعی و روش های مطالعه ی موردی:

- * برنامه ریزی این روش ها کمتر رسمی است و طرح ها منعطف ترند.
 - * داده ها از راه مشاهده ی بی سرو صدا و مشاهده ی مشارکتی به دست می آیند.
 - * اگر از مشاهده ی مشارکتی استفاده کند، می تواند خود رفتار را دستکاری کند تا شرایط جدیدی برای آزمون و ارزیابی فرضیات خلق کند.
 - * نمونه گیری از سوژه ها ممکن است تحت کنترل محقق نباشد (ضمانتی برای بیانگر یا نشانگر بودن نمونه نیست).
 - * نمونه گیری از وضعیت ها ممکن است محدود شود (باید سعی شود تا حد امکان نمونه زیاد باشد).
 - * در ارزیابی و تحلیل داده ها، داده ها می توانند کدبندی شوند.
 - * تکنیک های محدودی از تحلیل آماری به کار برده شود.^۱
- شرایط کاربرد مشاهده مشارکتی:
- * زمانی که سؤال به جریان طبیعی رفتار در شرایط طبیعی توجه دارد.
 - * در آغاز مراحل تحقیق در محیط و میدان جدید.
 - * برای آشنا کردن محققان با سوژه ها و شرایط و محیط هایی که برای آنها جدید هستند.
 - * برای اثبات مناسبت روش های به کار رفته در یک تحقیق جدید (سؤال این است که کدام روش معقول و قابل قبول است).

^۱ - [http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES^۱۰۱/ch^۶notes.html](http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES%201/ch6notes.html)

* جهت آزمون و ارزیابی قدرت تعمیم تئوری های رایج یا اصلاح اساس تکنیک های کتابخانه ای.

الف- اطلاعات مفید مشاهده مشارکتی

* اطلاعات توصیفی جدید.

* نفی طرحی عام و رایج.

* نمی تواند تأثیرات علی را ایجاد کند، اما می تواند اطلاعات مفید درباره ی روابط بین متغیرها به دست دهد.

ب- مسئله گزاره ها و فرضیات

* بررسی احتمالات تشخیصی (به نظر می رسد که کدام متغیرها با هم بیایند).

* اغلب عام و گنگ است و تمرکز بیشتری بر روند تحقیق دارد.^۱

پ- انواع منابع داده های جامعه شناختی

* منابع تاریخی؛

* داده های آماری؛

* تحقیق پیمایشی؛

* تحقیق مشارکتی و پدیدارشناختی.

۳-۱۵-۲- انواع مشاهده

۳-۱۵-۲-۱- مشاهده مشارکتی

مشاهده ی مشارکتی یکی از رایج ترین روش ها برای جمع آوری داده های کیفی و همچنین یکی از سخت ترین روش ها است. نیاز است که محقق در فرهنگ یا زمینه و محیطی که می خواهد مشاهده کند، شرکت نماید. ادبیات مشاهده ی مشارکتی بحث می کند که محقق چگونه وارد محیط شود، نقش محقق به عنوان مشاهده گر چگونه است، جمع آوری و ذخیره ی داده ها و نکات، و تجزیه و تحلیل داده ها به چه صورت باشد. مشاهده ی مشارکتی اغلب به ماه ها و سال ها کار نیاز دارد، زیرا محقق نیاز دارد به عنوان یک جزء طبیعی آن فرهنگ پذیرفته شود تا بتواند در مورد مشاهدات خود ادعا کند.

۳-۱۵-۲-۱-مشاهده مستقیم

مشاهده ی مستقیم از چندین جنبه با مشاهده ی مشارکتی متفاوت است: نخست، مشاهده گر مستقیم سعی ندارد عضوی از محیط شود. او سعی می کند، مشاهده ی خود را بی سر و صدا انجام دهد تا در مشاهداتش تورشوی صورت نگیرد. دوم، فرض می شود که مشاهده گر مستقیم دیدگاه بی طرفانه تری

^۱ - <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES101/ch6notes.html>.

دارد. محقق بیشتر نگاه می کند تا در فعالیت ها شرکت کند. در نتیجه، فناوری می تواند قسمت مفیدی از فرایند مشاهده ی مستقیم باشد (برای مثال استفاده از تصویربرداری و فیلم برداری از پدیده ها). سوم، مشاهده مستقیم، بیشتر از مشاهده ی مشارکتی تمرکز دارد. محقق افراد یا وضعیت های نمونه ای خاص را بیشتر مشاهده می کند تا اینکه در وضعیت و متن غوطه ور شود. در نهایت، مشاهده ی مستقیم به اندازه ی مشاهده ی مشارکتی وقت گیر نیست (همان منبع).

مشاهده ی مشارکتی، شیوه های تحقیقی متنوعی را از محدودیت های بالا به پایین به کار می برد:

- * مشاهده طبیعی: مشاهده ی مستقیم از وقایع به نحوی که در شرایط طبیعی رخ می دهند.
- * تحقیق اسنادی (آرشیوی): مطالعه ی اطلاعات از اسناد فعلاً موجود ساخته شده در شرایط طبیعی.
- * پیمایشی: پرسش سؤالات مستقیم از افراد در شرایط طبیعی.
- * مطالعه ی موردی: انجام مشاهدات وسیع از گروه یا فردی خاص.
- * ارزیابی برنامه ها: ارزیابی پروژه های به کار رفته در شرایط طبیعی.
- * آزمایش مشارکتی یا میدانی: آزمایش های کاربردی در شرایط طبیعی و در جایی که تأثیرات علی جستجو می شود. در تحقیقات با محدودیت پایین محقق کنترل کمتری بر تحقیق یا رفتار سوژه ها دارد.

۳-۱۵-۲-۱- مشاهده طبیعی

مثال کلاسیک این روش، چارلز داروین است که به مدت ۵ سال سوار بر کشتی نیروی دریایی بریتانیایی بیگل (۳)، نمونه ها را جمع آوری کرد و داده های توصیفی را کامل کرد تا تئوری تکامل را گسترش دهد.

مطالعه ی جین گودال در مورد شامپانزه ها در وطن بومی و طبیعی شان تانزانیا و مطالعه ی مردم شناسان که در میان مردمان با فرهنگ های متفاوت زندگی میکنند، مثال های این روش هستند.

۳-۱۵-۲-۱- مشاهده موردی

این نوع مشاهده، مشاهده طبیعی است، اما با محدودیت های الزامی کمی متعادل و ملایم بر روی فرایند کار همراه است و نوعاً در محیط های طبیعی عملی نمی شود شرایط معمولاً به وسیله ی محقق فراهم می شود. مطالعه موردی بر افراد تمرکز دارد و نوعاً به جنبه های محدودی از رفتار بیشتر از کل زمینه و جریان رفتار توجه دارد. مثال این روش، تحقیق زیگموند فروید و پیازه در مورد توسعه ی شناخت در کودکان است.

۳-۱۵-۳- تاریخچه استفاده از مشاهده مشارکتی

« مشاهده مشارکتی »، سابقه طولانی دارد. اصطلاح « مشاهده مشارکتی » اولین بار در قرن ۱۹ از سوی یک دانشمند و مردم شناس فرانسوی قرن ۱۹ به نام ژوزف مار ژراندو^۱ در یک راهنمای تحقیق مردم نگاری برای مأمورینی که به مناطق بدوی می‌رفتند، مطرح شد.

با این حال، استفاده از این روش به قرن ها پیش از این تاریخ باز می‌گردد. هرودوت که گاه او را پدر مردم شناسی نیز می‌خوانند، از روشی شبیه مشاهده مشارکتی برای به دست آوردن داده هایش استفاده کرد. همچنین باید به سنت گسترده ای که بین مورخان و جغرافی دانان مسلمان رایج بود، اشاره ای کرد. ابن بطوطه، ادیسی، ابن حوقل، ابن خلدون و... نیز روشی مشابه به کار می‌بردند.

البته باید به این نکته اشاره کرد که میزان مشارکت این افراد در زندگی مردمانی که توصیف می‌کردند، بسیار ناچیز بود. از آغاز رنسانس در غرب و حتی کمی پیش از آن، دو دسته از اروپا به سمت جوامع و سرزمینهای دوردست و ناشناخته روانه شدند. دسته اول، میسیونرها و مبلغان مذهبی بودند که برای تبلیغ آیین مسیح و ترویج آن به سرزمینهای دیگر می‌رفتند. دسته ی دوم، جهان گردان بودند که بر اساس حس کنجکاوی و جهت ارضای این حس، مخاطره های سفر و زندگی در میان اقوام ناشناخته، « وحشی » و حتی آدم خوار را به جان می‌خردند.

بسیاری از این افراد، دیگر هرگز به سرزمین و وطن خود باز نگشتند. نون که دانشجویی جوان در آکسفورد بود، در پی سفری به قبیله ی یولو در مالزی، ظاهراً در همانجا ازدواج کرد و علی رغم جستجوی طولانی مدتی برادرش برای یافتن وی انجام داد، دیگر هیچگاه غربیان موفق به دیدن وی نشدند. این گرایش به بومی شدن در جوامع تحت مطالعه، در بسیاری از پژوهشگران و مردم شناسان دیده می شده است (و همچنان دیده می شود). علاوه بر جاذبه هایی که هر فرهنگ برای غریبه ها دارد، این امر ناشی از طبیعت کار میدانی نیز هست. پژوهش میدانی، در واقع فرصتی است تا ما از کارهای روزمره ای که در بسیاری موارد برایمان کسل کننده هستند، جدا شده و دست به تجربه های نوینی بزنیم. به عبارت دیگر، برای مدتی از روزمرگی نجات یابیم. به هر حال، دانستنی های علمی اروپای چند سده پیش، سرشار از داستان ها و ماجراهای عجیبی بود که انسان شناسانی که به مناطق دور دست می‌رفتند، تعریف می‌کردند.

نسل اول جامعه شناسانی مانند دورکیم و مردم شناسانی همانند تایلر و فریزر، نیازی به مراجعه به میدان پژوهش نمی‌دیدند و بر مشاهدات و شهادت های غیرحرفه ای همین میسیونرها و جهانگردان تکیه می

^۱ - Joseph-Marie Gerando

کردند. اما بالاخره « انقلاب مالیونفسکی » رخ داد و حضور پژوهشگر در میدان و مشاهده مشارکتی به ارزش هایی مطلق تبدیل شد.

مالیونفسکی لهستانی الاصل، طی جنگ اول جهانی به عنوان تبعه کشور دشمن، تحت نظر قرار گرفت، اما توانست اجازه بگیرد تا به صورت تبعیدی، به جزایر تروبریاندر شمال استرالیا برود و در فاصله ی سال های ۱۹۱۵ تا ۱۹۱۸، مجموعاً دو سال در میان بومیان بدوی بود که داده های این کتاب ها را بر اساس مشاهده مشارکتی گردآوری کرده بود. وی هنگام حضور در میدان، نکات شخصی و خصوصی اش را در دفترچه ای یادداشت می کرد. هرچند وی هرگز قصد چاپ و انتشار این یادداشت ها را نداشت. اما به هر حال پس از مرگش، به صورت کتابی با نام « یک دفترچه خاطرات به معنی واقعی کلمه » منتشر شد و بحث هایی را درباره ی شیوه ی کار وی دامن زد.

اهمیت این روش، بیش از آن است که تنها مردم شناسان از آن استفاده کنند. مکتب جامعه شناسی شیکاگو، اولین مکتبی بود که به طور گسترده از مشاهده ی مشارکتی در انجام پژوهش های اجتماعی استفاده کرد. این مسئله تا حد زیادی تحت تأثیر حضور رابرت پارک در این مکتب بود که قبلاً حرفه روزنامه نگاری داشت و توانست مشاهدات توأم با مشارکتش را به این گونه پژوهش ها وارد کند.

در دهه ی ۱۹۳۰ که اوج انجام این گونه پژوهش ها توسط پژوهشگران مکتب شیکاگو بود، مردم شناسان هنوز علاقه مند به پژوهش در میان مناطق دورافتاده بودند؛ در حالی که علاقه پژوهشگران مکتب شیکاگو، متوجه انواع شیوه های زندگی در شهر خودشان بود. این پژوهش ها معمولاً در چهارچوب نظریه ی کنش متقابل نمادین صورت می گرفت و پژوهشگران در آن بر مشاهده ی آدم ها در زیستگاه طبیعی شان، گفت و شنود با آنها و گردآوری و ثبت سرگذشت هایشان تأکید داشتند.

تقریباً با افول مکتب شیکاگو، ستاره ی بخت مشاهده ی مشارکتی در میان جامعه شناسان رو به خاموشی گرایید تا اینکه در دهه ی ۱۹۶۰ و در پی نقدهایی که به شدت بر روش های صرفاً کمی وارد شد، این ستاره با درخششی دوباره نمایان شد. البته طی این مدت (بین دهه ی ۱۹۴۰ تا دهه ی ۱۹۶۰)، این روش همچنان اصلی ترین شیوه گردآوری داده برای مردم شناسان بود.

مردم نگاران فرهنگی از این روش برای مطالعه ی فرهنگ های دیگر استفاده می کردند. هرچند فرهنگ ها حتماً متفاوت نیستند، ولی این روش در گذشته، اغلب برای مطالعه ی فرهنگ هایی که ابتدایی می نامیدند، به کار می رفت. هنوز در جامعه شناسی، مطالعه ی تفاوت فرهنگی از این موارد است.

این کار در فیلد یا میدانی انجام می شود که محیط مطالعه ی سوژه ی تحقیق اجتماعی است. این میدان ممکن است، محیط آموزش و پرورش، محیطی صنعتی، یا جنگل های بارانی آمازون باشد.

همان طور که مشاهده می‌شود مشارکتی می‌تواند به وسیله‌ی جانورشناسی چون جین گودال به کار برده شود؛ انسان‌شناسان فرهنگی چون رادکلیف براون و مالینوفسکی هم این روش را استفاده کردند. به هر حال امروزه این شیوه، کاربرد بسیاری در پژوهش‌های اجتماعی اعم از جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دارد و کمتر پژوهشگری است که به اهمیت این شیوه آگاه نباشد.^۱

۳-۱۵-۴- روش‌های مشاهده مشارکتی

مشاهده مشارکتی شامل مجموعه‌ای از داده‌ها یا اطلاعات اولیه‌ای است که جدید هستند. این‌ها می‌تواند از طریق پیمایش و پرسشنامه‌هایی که به طور اختصاصی برای موضوع خاصی تنظیم شده‌اند، جمع‌آوری شود.^۲

۳-۱۵-۴-۱- گردآوری داده‌ها

مشاهده و مصاحبه، دو روش اصلی گردآوری داده‌های کیفی به شمار می‌آیند. در پژوهش‌های مبتنی بر مشاهده مشارکتی نیز به همین صورت است. اما در میدان ممکن است موارد بسیاری را مشاهده کرد که اتفاقاً همه با موضوع تحقیق در ارتباط باشند. محقق ضمن آنکه نگاهی خاص به هر یک از آنها دارد، باید نظم و ارتباط میان آنها را نیز بفهمد.

همیشه بین اجزای یک مجموعه با یکدیگر و نیز اجزا با کل مجموعه ارتباطی وجود دارد و باید این ارتباط را تشخیص داد. برای این کار می‌توان از دسته‌بندی اجزا و مقولات آغاز کرد. این دسته‌بندی‌ها باید بر اساس نظر مردم مورد مطالعه باشد. یعنی دقت شود آنها چگونه اشیاء، رفتارها، روابط و حتی خودشان را مقوله‌بندی می‌کنند. هرگونه مقوله‌بندی افراد، مکان، زمان و اشیاء، دنیا را برای محقق ساده‌تر می‌سازد. وقتی که او توانست فردی را در مقوله‌ای قرار دهد، و این چه دانشجو باشد یا استاد، چه کشیش باشد یا برادر و مادر، آنگاه رفتار آن فرد برای محقق به آسانی قابل انتظار و پیش‌بینی است. در سازماندهی مقولات، باید سعی شود واژه پوشش را شناخته و محدوده شمول آن را نیز مشخص کرد. مثلاً اگر فردی گفت که «بدبخت» است، باید دقیقاً مشخص شود که منظورش از بدبخت چیست: فقیر و ندار است؟ احساس می‌کند شانس و بخت در زندگی همراهش نیست؟ فرزندان ناخلف دارد؟ یا ... همین واژه را اگر فردی دیگر درباره یک نفر به کار برد، ممکن است معانی دیگری نیز بیابد. مثلاً اگر با شدت صدا گفت «او بدبخت است»، ممکن است منظورش این باشد که او دزد، معتاد، الکلی یا ... است.

^۱ - <http://anthropology.ir/code>. ۲۰۶.

^۲ - www.Fastlinksolutions.Co.Uk/Typesofm.Htm.

نکته دیگری که در هنگام گردآوری اطلاعات و داده ها باید به آن توجه کرد، بحث موقعیت یک پدیده، رویداد، رفتار و ... است. مثلاً اگر کارمندان اداره ای نسبت به مافوق خود ادب و احترام بسیاری قائل هستند، نباید سریعاً نتیجه گیری کرد که کارمندان این اداره، بسیار مؤدب هستند و به افراد دیگر نیز احترام فراوانی می گذارند. باید به این نکته توجه داشته باشیم که آنها در این موقعیت با رئیس و مافوق خود برخورد داشته اند، مؤدب بوده اند و ممکن است در برابر افراد دیگر از جمله زیردستان خود یا ارباب رجوع ها، برخوردی کاملاً متفاوت داشته باشند.

در اینجا بد نیست به این نکته نیز اشاره ای شود که بر اساس آنچه نظریه نمایشی گافمن توضیح می دهد، افراد هنگام حضور در اجتماع، مانند بازیگران تئاتر، متناسب با محیط، نقشی را برعهده می گیرند، اما هنگامی که به فضای مشخص تر خودشان برگشتند (پشت صحنه تئاتر)، نقش هایشان را و می نهند و خودشان می شوند. بنابراین هنگام مشاهده یک رفتار، باید به این نکته توجه کرد که آن رفتار، در چه زمینه ای رخ داده است. در زمینه گفتار نیز به همین شکل است، دقت شود که آیا سخنی که در یک موقعیت بر زبان آورده شده، آیا در موقعیت دیگر نیز به همان صورت بیان می شود یا آنکه تغییر می یابد. توانش ارتباطی، بر تشخیص محیط ها از جهت فرهنگی تعریف شده و توانایی به زبان آوردن گفته هایی است که برای این محیط ها مناسب تشخیص داده شده اند.

بیکر از دو شیوه ی مهم یاد می کند که هنگام بررسی و مشاهده کلامی می توان از آنها استفاده کرد. در این شیوه ها، پژوهشگر به مسئله توانش زبانی نیز توجه نشان می دهد: گوش دادن به صحبت ها و یادداشت مضمون آنها بر حسب نوع کلام مانند: سؤال، خبر، تعریف و ... یا گفتگو را تعامل اجتماعی در نظر گرفته (یادداشت کرد که چه کسی با چه کسی صحبت می کند، چه کسی از چه کسی سؤال می کند، چه کسی با چه کسی صحبت می کند، چه کسی از چه کسی سؤال می کند، چه کسی به چه کسی پاسخ می دهد و چه کسی از چه کسی گفته های چه کسی را تصدیق می کند). در شیوه ی اول، گفته ها، از گوینده ها مهم ترند و در شیوه ی دوم، گوینده ها از گفته ها. البته هر دو شیوه را می توان با هم ادغام کرد.

نکته دیگر در هنگام گردآوری اطلاعات، استفاده از داده های کمی در هنگام مشاهده مشارکتی است. چنانکه سیلورمن و تورد (۱۹۸۰) توضیح می دهند: نکته مهم این است که شمردنی ها را بشماریم، ترجیحاً بر حسب مقولاتی که خود مشارکت کنندگان در عمل به کار می برند. به جای آنکه زبان کنشگران را راهنمایی شفاف برای واقعیت های اجتماعی بدانیم، باید واقعیت ها را همان سان که در کلامشان ساخته می شود (هم شفاهی و هم کتبی) تحلیل کنیم.

چنانکه این دو توضیح می دهند، با شمارش تعداد دفعات تکرار یک پدیده، رفتار و ... می توان به صحت گفتار افراد در آن مورد پی برد. مثلاً اگر یک فروشنده درباره راکد بودن بازار خرید و فروش گفت: «روزی بیشتر از ۳۰-۲۰ مشتری نداریم»، می توان با شمارش تعداد مشتریانی که در یک روز به آن فروشگاه مراجعه می کنند، به درستی گفته وی پی برد. مثلاً اگر پس از چند روز بررسی؛ اگر هر روز بیش از ۱۰۰ مشتری به آن فروشگاه مراجعه می کنند، می توان پی به اشتباه بودن گفته ی فروشنده برد.

البته به کارگیری داده های کمی در مشاهده مشارکتی می تواند مزایای دیگری نیز داشته باشد. چنین شمارشی، از وسوسه ی استفاده از اطلاعات صرفاً مؤید برای تأیید تفسیر محقق جلوگیری می کند. این نوع شمارش، تصویری از کل نمونه مورد بررسی را به صورتی مختصر ارائه می کند، نمونه های خلاف را مشخص می سازد و تحلیل کیفی بیشتر درباره ی قواعد رفتار را تشویق می کند. چه این اعداد حاصل از شمارش ها و چه دیگر پدیده ها، رویدادها، رفتارها، گفتارها، افراد و ... که در میدان مشاهده می شود، به راحتی ممکن است فراموش شوند یا به دلیل فراموشی، تحریف شوند.^۱ (۱۰)

۳-۱۵-۴-۲- تجزیه و تحلیل و نوشتن نتایج مشاهده

بازنویسی مشاهدات شامل موارد زیر است:

* چگونه و چرا مشاهده ی خود را به این نحو که انجام شده است، تنظیم کرده است؟

* چگونه مشاهده رخداد، شامل مشکلات و مسائلی است که محقق داشته است؟

* محقق چه چیزی کشف کرده و چگونه با جنبه های دیگر تحقیقتش رابطه دارد؟

* اگر او بخواهد دوباره این کار را انجام دهد، چگونه مشاهده ی خود را تنظیم می کند؟^۲

پژوهشگر، گزارش حاصل از مشاهده مشارکتی خود را پس از اتمام کار میدانی می نویسد، اما برای اینکه تا آن موقع، مشاهدات را فراموش نکند، باید اقدام به یادداشت برداری آنها در میدان کند.

چنانکه پیشتر نیز اشاره شد، هر چه نقش مشاهده گر بودن پژوهشگر در میدان بیشتر باشد، امکان یادداشت برداری در میدان است و در مقابل، هر چه نقش مشارکت کنندگی او بیشتر باشد، این امکان برایش کمتر فراهم می شود. یادداشت برداری باید تا حد امکان در یک مکان آرام و خلوت صورت بگیرد تا پژوهشگر با آرامش خاطر اقدام به ثبت مشاهداتش کند.

^۱ - <http://anthropology.ir/method>

^۲ - www.Field.com/About.Html

همچنین در بسیاری موارد، یادداشت برداری در مقابل دیدگان مردم تحت مطالعه، باعث ایجاد حساسیت در آنها می شود؛ به ویژه هنگامی که در حال گفتگو با فرد، یادداشت برداری می تواند باعث به هم خوردن حالت طبیعی آن فرد شود. بنابراین توصیه می شود که تا حد امکان، یادداشت برداری به دور از نگاه های مردم صورت بگیرد. علاوه بر این، در یادداشت برداری که در میدان صورت می گیرد، لازم نیست همه ی مشاهدات جزء به جزء یادداشت شود. تنها کافی است نکات و مطالب مهم و کلیدی را ثبت کرد که در هنگام پاک نویسی کردن یادداشت ها در یادآوری مشاهدات به محقق کمک کنند. یادداشت های کلیدی، در اولین فرصت ممکن باید به یادداشت های کاملی تبدیل شوند تا خطر فراموشی مشاهدات، کاهش یابد. در یادداشت هایی که ثبت می شود، باید تاریخ، ساعت، مکان و احیاناً اطلاعاتی دیگر که لازم است را درباره آن پدیده، فرآیند یا ... که یادداشت شود نیز نوشته شود. یادداشت برداری ها از مشاهدات میدانی نیز از تیغ منتقدان در امان نمانده است. برای مثال، مطرح شده است که تصور می شود، محقق به هنگام جمع آوری و ثبت اطلاعات، عینی برخورد می کند و این چگونگی تعبیر و تفسیر بعدی است که از تعصبات وی متأثر می شود. اما مهم ترین تحریفات در مطالعات علمی رفتار اجتماعی، در حین جمع آوری اطلاعات رخ می دهد. همیشه مشاهدات انتخابی و تعبیر و تفسیر انتخابی در کار است.

مک نیل نیز در تأیید همین گزینشی بودن مشاهداتی که یادداشت برداری بر اساس آنها شکل می گیرد، می نویسد: این یادداشت ها هر چقدر هم کامل و مو به باشند، باز هم برگزیده ای از کل رویدادهایی هستند که محقق می تواند آنها را ببیند و این گزینش بر مبنای آن چیزی انجام می گیرد که محقق مهم تشخیص می دهد. این به معنای آن است که محقق بر مبنای قضاوت خود به نمونه گیری دست می زند. قضاوت محقق درباره اینکه چه چیز مهم و چه چیز غیرمهم است، بر نتیجه تحقیق تأثیر می گذارد. گزینشی بودن مشاهدات، غیرقابل انکار است. اما باید به این نکته نیز توجه کرد که پژوهشگر ناچار به گزینشی عمل کردن است؛ چراکه در یک زمان نمی تواند در همه ی نقاط میدان تحت مطالعه باشد و ناچار است در هر زمان، تنها در یک نقطه باشد. ضمن آنکه تمام پدیده ها، روندها و ... که در همان نقطه روی می دهند هم نیز نمی توان مشاهده کرد و بنابراین پژوهشگر ناچار به گزینشی عمل کردن است.

نکته آخر درباره ی گردآوری داده ها این است که پژوهشگر نباید تنها به آنچه اتفاق می افتد یا وجود دارد، توجه کند، بلکه باید در پی آنچه وجود ندارد و اتفاق نمی افتد نیز برآید و چرایی آن را دریابد، این موارد را شواهد منفی می نامند. چنانکه لوئیس ها (۱۹۸۰) یادآور شده است: شواهد منفی عبارتند

از: -- عدم وقوع رخدادها، -- رخدادهایی که جلب نظر نکرده یا ثبت نشده اند و -- رخدادهایی که به صورت خام ثبت شده اند، اما بد تفسیر شده یا در تحلیل و گزارش تحقیقی تحریف شده اند. چنانچه شواهدی درباره ی موضوعی خاص در میان نباشد، چه بسا این عدم دخالت عمداً وانمود شده باشد. گاه نیز ممکن است به علت عدم حساسیت پژوهشگر، ابعاد مهمی نادیده گرفته شود.

تذکرات لوئیس ها نشان می دهد که عدم وقوع رخدادی در محیط ممکن است سرنخی درباره ی وقایع جاری باشد. در چنین مواردی است که دقت و زیرکی پژوهشگر آشکار می شود و وی باید از سطح گذشته و به اصطلاح، کاسه ی زیر نیم کاسه را کشف کند.

۳-۱۵-۵- مزایا و معایب به کارگیری روش مشاهده مشارکتی

بحث مزایا و معایب به کارگیری این روش، تا حد زیادی به کیفی بودن آن باز می گردد، یعنی همان درگیری قدیمی بین روش کمی و روش کیفی. روش های بررسی کمی که هدفشان یافتن علت هاست، بر اهمیت بی طرفی و عینیت در پژوهش تأکید می ورزند. در مقابل، در روش های کیفی بیشتر توصیف، تحلیل و تفسیر واقعیت ها مد نظر است و بنابراین طرفداران این روش ها، در پی دستیابی به معانی زندگی انسان ها هستند.

استفاده کنندگان از روش های کیفی و به ویژه مشاهده ی مشارکتی، متهم هستند که معیارهای دقیقی برای اثبات درستی معنایی که از زندگی انسان ها به دست می دهند، ندارند. در مقابل، استفاده کنندگان از روش های کمی نیز به خاطر ماندن در سطح و عدم آگاهی از ژرفای زندگی انسان ها، مورد سرزنش قرار می گیرند. لازم به ذکر نیست که همه ی روش ها دارای نقاط قوت و ضعف خاص خود هستند و دلیل استفاده از یک روش در پژوهشی خاص، متناسب تر بودن آن روش برای پژوهش مورد نظر است. مالدینوفسکی خاطر نشان کرده که بسیاری از موقعیت ها را فقط از طریق مشاهده مشارکتی می توان به دست آورد.

مهم ترین ویژگی مشاهده مشارکتی که آن را به عنوان مزیت در این روش در نظر می گیرند، این است که با به کارگیری آن، پژوهشگر این توانایی را به دست می آورد تا ساختار فرهنگی را از درون آن بنگرد و بدین وسیله، به درکی نزدیک درک بومیان از زمینه ی فرهنگی آنها دست یابد.

برای درک یک فرهنگ باید دید که عاملان آن فرهنگ چگونه آن را می بینند، به قواعد آن رفتار می کنند و یا آن را تغییر می دهند. این درک از فرهنگ، برای پژوهشگر حاصل نمی شود، مگر آنکه خودش چونان عاملان بومی آن فرهنگ، فرهنگ مذکور را تجربه کنند. هر چند رسیدن به نگاهی که دقیقاً همسان نگاه بومیان باشد، تقریباً ناممکن است، اما نزدیک تر شدن به آن امکان پذیر است و این

نزدیکی حاصل نمی شود، مگر به وسیله ی روش مشاهده مشارکتی. همچنین در این روش به داده های فراوانی دسترسی پیدا می کنید که از طریق اطلاع رسانی یا پرسشنامه، مصاحبه و ... به دست نمی آیند. مردم به دو دلیل برخی اطلاعات را در اختیار پژوهشگر نمی گذارند؛ یعنی اینکه برخی رویدادها و پدیده ها آنقدر برایشان عادی شده که یا آن را به خاطر نمی آورند و یا اینکه گمان می کنند چندان اهمیتی ندارد. دیگر آنکه ممکن است اطلاع رسانی، بنا به دلایلی مایل نباشد برخی اطلاعات را در اختیار پژوهشگر قرار دهد و یا برخی اطلاعات نادرست را به عمد در اختیار پژوهشگر بگذارد. مثلاً نمی خواهد پژوهشگر بدانند میزان اعتیاد در آن مکان بالاست و یا تصویر بدی از شخص یا گروه رقیب در اختیار پژوهشگر می گذارد. تنها با زندگی کردن در میان مردم و به کارگیری روش مشاهده مشارکتی است که پژوهشگر می تواند به صحت و سقم گفته های مردم پی ببرد.

همچنین در بسیاری موارد، مشاهده ی مشارکتی تنها گزینه برای انجام یک پژوهش است. برای مثال به قول اوانس پرپچارد، چگونه می توان در میان اقوام و افرادی که سواد خواندن و نوشتن ندارند، از روش پرسشنامه استفاده کرد؟

دنزین به این نکته اشاره می کند که روش مشاهده ی مشارکتی، نسبت به روش های آماری این مزیت را دارد که در میدان پژوهش، نسبت به گردآوری داده ها، انعطاف پذیر است. این روش، همچنین برای توسعه ی دیدگاه شخص پژوهشگر نیز بسیار سودمند است. پژوهشگری که در اثر مشاهده ی مشارکتی به درون فهمی برسد و بتواند درک کند که چرا مردم، آن گونه عمل می کنند، به این نتیجه گیری جالب می رسد که فرهنگ های دیگر نسبت به فرهنگ پژوهشگر، پایین تر و پست تر نیستند، بلکه آنها نیز (مانند فرهنگ پژوهشگر) برای امکانات و شرایط موجود مناسب ترین هستند و این یعنی همان دیدگاه نسبییت فرهنگی.

دوری از خانه و نیز گفتگو با غریبه ها می تواند برای پژوهشگر آموزنده باشد و در بسیاری موارد، در شخصیت پژوهشگر تغییرات عمده ای را باعث می شود. چنانکه کارلوس کاستاندا در طول پژوهش مردم شناسانه اش درباره ی گیاه پیوتل که شمن (جادوگر) های سرخپوست از آن استفاده می کردند، تحت تأثیر آموزه های یک پیرمرد سرخپوست به نام «دون خوان ماتوس» قرار گرفت و برای سالیانی دراز، مرید آن پیرمرد عارف شد، تا بدانجا که با اعتقادی تام، بسیاری از اعمال عرفانی سرخپوستی را تجربه کرد.

البته گاه برعکس این حالت اتفاق می افتد. به عبارت دیگر، پژوهشگر ممکن است در هنگام بررسی مثلاً یک گروه غیراخلاقی، خود نیز عضو آنها شود. این مسئله بستگی به انتخاب موضوع و چگونگی

برخورد با آن دارد. در نهایت یک ویژگی مثبت دیگر مشاهده مشارکتی، نصیب مردم تحت مطالعه می شود. پژوهشگر می تواند با بازتاب دادن مشکلات مردمی که در زندگی آنها مشارکت و مشکلاتشان را از نزدیک لمس کرده است، به آنها در رفع مسائلشان کمک کند. مزایای مشاهده مشارکتی را می توان به طور خلاصه چنین بر شمرد:

* نزدیک تر بودن به شرایط جهان واقعی.

* این نوع تحقیق می تواند برای تاجر، بهترین راه برای کشف اطلاعات خاص مورد نیازش باشد.

* تاجر می تواند مطمئن باشد که اطلاعات به دست آمده اش، به روز است.

* امکان محرمانه بودن وجود دارد.

محدودیت ها و معایب مشاهده مشارکتی عبارتند از:

* تحقیق را نمی توان فراتر از آنچه مطالعه شده، تعمیم داد.

* تکرار تحقیق سخت است، مگر اینکه فرایند و پروژه کاملاً آشکار و روشن شود.

* تأثیرات علی را نمی تواند نشان دهد- ما را به سفسطه ی علت یابی پس از وقوع راهنمایی می کند.

* در تجارت، ممکن است بیشتر از آنکه به جمع آوری اطلاعات پردازد، به شغل تجارت پردازد.

* مطالعه در نمونه کوچک، نیازمند صرف هزینه و وقت زیادی است.^۱

^۱ - <http://polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch1notes.html>.

۳-۱۶- منابع وماخذ

الف - منابع فارسی

۱. بیتس، دانیل و فرد پلاگک، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۵.
۲. رفیع پور، فرامرز، تکنیک های خاص تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۳. سیلورمن، دیوید، روش تحقیق کیفی در جامعه شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تبیان: ۱۳۸۱.
۴. فکوهی، ناصر، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۱.
۵. مارشال، کاترین و گرچن ب. راسمن، روش تحقیق کیفی، ترجمه علی پارساییان و سیدمحمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۸۱.
۶. مک نیل، پاتریک، روش های تحقیق، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۷۸.
۷. ادیب حاج باقری، محسن، پرویزی، سرور و صلصالی، مهوش. (۱۳۹۰). روش های تحقیق کیفی. تهران: بشری.
۸. ایزاک، استفان. (۱۳۸۶). راهنمای تحقیق و ارزشیابی در روان شناسی و علوم تربیتی (ترجمه علی دلاور). تهران: ارسباران.
۹. سرمد، زهره، بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۸). روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: آگه.
۱۰. سیف، علی اکبر. (۱۳۸۹). اندازه گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی. تهران: دوران.
۱۱. دلاور، علی (۱۳۹۰). مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی. تهران: رشد.
۱۲. محمودی، فیروز، فتحی آذر، اسکندر، اسفندیاری، رجب. (۱۳۸۸). ارزیابی تدریس دبیران متوسطه بر اساس عوامل دهگانه فلندرز. دانشور رفتار، (۳۶) ویژه مقالات علوم تربیتی (۱۲)، ۴۰-۲۳.
۱۳. گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۸۹). روشهای تحقیق کمی و کیفی در علوم
۱۴. تربیتی و روانشناسی (ترجمه احمد رضا نصر و همکاران). تهران: سمت. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۶).
۱۵. یغمایی، فریده، داخه هارونی، محبوبه و متقی، بتول. (۱۳۸۸). بررسی نحوه ی اندازه گیری رفتاری ((تمایل به رفتار)) در پایان نامه های دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت درمانی شهید بهشتی. نشریه ی دانشکده پرستاری و مامایی، ۱۹(۶۵)، ۴۸-۴۴.

۱۶. نادری، عزت الله و سیف نراقی، مریم. (۱۳۸۹). روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی. تهران: ارسباران.

ب - منابع لاتین

۱. Field research: Naturalistic Observation and Case- study Research: chapter, www.Polar.alaskapacific.edu/gregb/ES601/ch6notes.html.
۲. <http://anthropology.ir/method>
۳. <http://anthropology.ir/node/206>
۴. Langley, P., " Machine Learning as an Experimental Science ", Machine Learning, ۳: ۸-۵, ۱۹۸۸.
۵. Trochim, E. M. K, The Research Methods Knowledge Base, Ithaca, Cornell University Custom Publishing, ۱۹۹۹.
۶. www.fastlinksolutions.co.uk/typesofm.htm.
۷. www.field.com/about.htm.